

مصاحبه اختصاصی روابط عمومی مرکز تحقیقات استراتژیک با رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام



بسم الله الرحمن الرحيم، با عرض سلام و تشکر از حضرتعالی برای شرکت در این مصاحبه، به عنوان سوال اول، با توجه به سال تاسیس مرکز تحقیقات استراتژیک، چرا در سال 1368، با شرایط یک کشور جنگ زده، خرابی‌های 8 سال جنگ تحمیلی، مسائل بازسازی و توسعه کشور، حضرتعالی به فکر تأسیس یک مرکز تحقیقاتی بودید؟

بسم الله الرحمن الرحيم، بعد از 8 سال جنگ تحمیلی، علاوه بر ویرانی تقریباً کامل زیربناها و حتی بخشی از مظاهر حیات در 5 استان، سراسر کشور هم دچار عقب‌افتادگی‌هایی شده بود که ادامه عقب‌ماندگی‌های رژیم‌های سابق بود. وقتی جنگ به پایان رسید، امام(ره) در خطابی مهم به سران کشور، سیاست‌های سازندگی را سرلوحه کارها قرار دادند و قرار بود شیوه‌های برنامه‌نویسی کشور از روزمرگی خارج شود. به همین خاطر، کارها اولویت‌بندی شدند و در سه مرحله کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت جای گرفتند. البته این کار همزمان با دولتی شده بود که با شعار کار و تولید و با هدف سازندگی آمده بود، بنابراین انجام برنامه‌های مهم و پرداختن به کارهای بنیادین، نیازمند عقبه علمی و تحقیقاتی بود. می‌دانید که در آن سال‌ها دانشگاه‌های ما هنوز سرگرم گسترش کمی بودند و برای کیفیت‌بخشی به تحصیلات، از سوابق تاریخی ایران استفاده می‌کردند. از طرف دیگر مراکز تحقیقاتی کوچکی در همه نهادها و سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها بودند که وظیفه آنها

پاسخ‌گویی به نیازهای بخشی بود، لذا کشور از همه جهات نیازمند یک مرکز تحقیقات استراتژیک بود.

یکی دیگر از اهداف تأسیس مرکز، استفاده از تجربیات ارزنده همه کسانی بود که در شرایط متفاوت سیاسی، مسؤولیت داشتند و با تغییر دولت‌ها کنار گذاشته می‌شدند. در این فکر بودیم که جایی زیر نظر عالی‌ترین نهاد اجرایی کشور باشد تا بستری مانند دریا برای رودخانه‌های متفاوت باشد.

آیا می‌توان گفت به نوعی مرکز تحقیقات استراتژیک، به عنوان وزنه تعادل سیاسی در صحنه سیاست داخلی کشور عمل می‌کند؟

نگاه صرف سیاسی به مرکز تحقیقات که اهمیت آن از اسمش پیداست، نوعی کم‌لطفی سیاسی است که متأسفانه بعضی‌ها عادت کرده‌اند، داشته باشند. وگرنه هدف اولیه مرکز، علاوه بر رسیدن به آرمان‌های انقلاب، امام و شهیدان؛ استفاده از ظرفیت‌های فکری همه نیروها بود. البته شاید تعبیر «وزنه تعادل سیاسی» از این نظر درست باشد که مرکز نمی‌گذاشت با تغییر دولت‌ها نیروهای کارآمد خانه‌نشین شوند. اگر به مقاطع مختلف عمر مرکز تحقیقات توجه کنید، متوجه می‌شوید که همیشه کسانی با سلیق متفاوت سیاسی در آنجا حضور داشتند و اتفاقاً برای کسانی که افکار تند سیاسی در انتقادات تخریبی از جناح‌های مقابل داشته‌اند، نوعی حوضچه آرامش بود. چون فضای مرکز به گونه‌ای بود که تندروی سیاسی را بر نمی‌تابید.

حضرت‌عالی جایگاه مرکز تحقیقات در سیستم سیاسی کشور را چگونه می‌بینید؟

از لحاظ تئوری و نظری هم مرکز تحقیقات برای کشور و نظامی که داعیه نگاه به افق‌های دور دست را دارد، یک ضرورت است. چون ترسیم اهداف بلندمدت نیازمند تهیه مقدمات، مخصوصاً در بعد علمی است که مرکز تحقیقات استراتژیک می‌تواند مسیر حرکت کشور را هموارتر نماید.

انتخاب ریاست مرکز تحقیقات در دوره‌های مختلف بر چه مبنایی و در راستای چه هدفی صورت می‌گرفته است؟

معیارهای انتخاب رئیس مرکز تحقیقات در زیر مجموعه مسؤولیت‌های من - چه در زمان ریاست جمهوری و چه در زمان مجمع تشخیص مصلحت نظام- ظرفیت انجام کارهای تحقیقاتی و قابلیت اجرای تحقیقاتی ظرفیت‌ها بود. البته داشتن روحیه تحقیقاتی هم بسیار مهم است. موارد زیادی از کسانی داریم که مدیران بسیار موفقی در تقنین، اجرا و حتی مسایل قضایی بودند و هنوز هم هستند، اما اولین شرط ریاست در مرکز تحقیقات، روحیه تحقیقاتی است. البته در همه دوره‌ها شخصیت‌های بسیار خوبی از جناح‌های مختلف کشور در مرکز تحقیقات حضور داشتند که نگاه تک بعدی روسا می‌توانست از کارایی مرکز بکاهد.

چرا در سال 1376، به جای ایجاد یک مرکز تحقیقاتی در مجمع تشخیص مصلحت، حضرت‌عالی این مرکز را انتقال دادید؟

این یکی از برداشت‌های اشتباهی است که در تمام این سال‌ها مانند غلط‌های مصطلح تکرار می‌شود. مگر روزی که قرار بود مرکز تحقیقات استراتژیک در مجمع تشخیص تأسیس شود، مرکز تحقیقات ریاست جمهوری و قوانین مربوط به آن ملغی شد؟ هرگز چنین نبود. نکته ظریف این موضوع که شاید باعث چنین طرز فکری شده، قابلیت‌های بالفعل مرکز تحقیقات مجمع بود که کم‌کم مرکز تحقیقات ریاست جمهوری را تحت‌الشعاع قرار داد. در اواخر سال 1375 که رهبری طی حکمی، رویکرد جدید مجمع را اجرای اصول بر زمین مانده قانون اساسی، یعنی تدوین سیاست‌های کلی معرفی کردند، دیدیم انجام این کار بدون استفاده از نظرات علمی دانشمندان حوزوی و

دانشگاهی نمی‌تواند کامل باشد. به همین خاطر به فکر تأسیس مرکز تحقیقات مجمع افتادیم. در تمام این سال‌ها مرکز تحقیقات ریاست جمهوری هم مشغول بود. مثال ساده آن تأسیس دانشگاه‌های فنی علم و صنعت، امیرکبیر و صنعتی شریف پس از دانشگاه تهران است که دانشکده فنی بسیار توانایی داشت و هنوز هم دارد. آیا تأسیس آن سه دانشگاه به معنی از بین بردن دانشگاه تهران بود؟ اصلاً چنین نیست. نکته مهم این است که آن دانشگاه‌ها در رشته‌های خاص پیشرفت کرده‌اند و در تمام این سال‌ها، دانشگاه تهران هم مشغول تحصیل و پرورش جوانان کشور بود و از سوی دیگر می‌خواستیم مجمع با تأسیسات موازی هزینه‌ای برای نظام ایجاد نکند و حتی برای استقرار مجمع هم از فضاها موجود که مورد بهره‌برداری هم نبود، استفاده شد.

آیا به نظر حضرتعالی، می‌توان نقش مرکز تحقیقات استراتژیک را در هر واقعه سیاسی برجسته نمود؟

نگاه صرف سیاسی به مرکز تحقیقات، به اهداف عالی و کارایی مفید آن ضربه می‌زند، اما این مسأله را هم نباید فراموش کرد که تقریباً همه مسؤولان، معاونین و مدیران مرکز تحقیقات، روزگاری همراه با یک جریان سیاسی در مسند امور بودند و نمی‌توانند افکار سیاسی خود را کنار بگذارند. شاید این موضوع، به مرکز تحقیقات این قابلیت را بدهد که در مقاطع خاص نقش‌های برجسته داشته باشد. مثل دولت یازدهم که علاوه بر رئیس‌جمهور، بسیاری از مسؤولان دولت نیز از معاونین و مدیران سابق مرکز تحقیقات هستند.

به هر حال، چند سال هم‌فکری یک گروه خاص، آن هم با نگاه تحقیقاتی که مشغله‌های اجرایی و تقنینی هم ندارند، به آنان این فرصت را می‌دهد که با مطالعه نقاط ضعف و قوت دولت‌ها، در مقاطع مختلف، مخصوصاً انتخابات نقش‌آفرینی کنند.

چه آرمانی و ایده‌ای برای آینده مرکز تحقیقات استراتژیک در ذهن حضرتعالی است؟

آنچه که به عنوان ایده و آرمان آینده مرکز در ذهنم هست، همان است که از قبل بود. من مرکز تحقیقات استراتژیک را حد فاصل و یا پل ارتباطی حاکمیت در بعد اجرایی با بدنه دانشگاهی و حوزوی جامعه می‌دانم که از یک طرف می‌تواند برنامه‌های دولت را بر پایه علم و دانش پریرد و از طرف دیگر این اطمینان را به تئوری‌پردازان علمی در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها بدهد که ایده‌های آنها صرفاً در لابه‌لای کتاب‌ها و مقالات نمی‌ماند، بلکه برای برنامه‌های اجرایی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اگر همین هدف اجرایی‌تر شود و مرکز تحقیقات از سطحی‌نگری بپرهیزد و به تعمیق تحقیقات بپردازد، همان است که ایده و آرمان تأسیس آن بود. مخصوصاً در شرایط کنونی که دانایی، محور برنامه‌های چشم‌انداز 20 ساله کشور شده و اگر چه سیاست‌های کلی آن نوشته شده، اما هنوز نیازمند نگاه علمی در مراحل بعدی است.

چه توصیه‌ای به مسؤولان مرکز تحقیقات دارید؟

الحمدلله همه مسؤولان از فحول علمی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور هستند و خودشان بهتر از همه می‌دانند که نیازهای علمی کشور در سال‌های آینده چیست و توصیه کلی من به آنها توجه به «آزاداندیشی» در ابعاد علمی و دینی به تحقیقات است و اینکه فضایی را درست کنند که صاحبان علم و تحقیقات بدون خود سانسوری حرف‌های خود را بزنند.

با آرزوی سلامتی، از شرکت حضرتعالی در این مصاحبه، کمال سپاسگزاری را داریم.